خبر

معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور:

۱/۵ میلیون پناهنده مجاز افغان در ایران زندگی می‌کنند

● **ایسنا:** معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور گفت: ۱/۵ میلیون مقیم یا پناهنده افغان در ایران زندگی می‌کنند و به همین میزان پناهنده غیرقانونی افغان در کشور داریم.

حسین ذوالفقاری در مراسم بزرگداشت سی‌امین سالگرد همکاری اداره امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور و کمیساریای عالی سازمان‌ملل در امور پناهندگان در ایران که دیروز در برج میلاد برگزار شد، افزود: ایران در ۳۵ سال اخیر گرفتار بی‌ثباتی کشورهای همسایه خود بوده است.

معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور در ادامه گفت: امروزه افغانستان مانند سه‌دهه گذشته گرفتار جنگ نیست و ما نباید گرفتار این حجم از مهاجرت افغان‌ها به کشور باشیم، اما شرایط زندگی به‌گونه‌ای است که همچنان آنان به کشور ایران مهاجرت می‌کنند.

وی تصریح کرد: با سند و مدرک می‌گویند که روزانه هزارو ۵۰۰ مهاجر افغان به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند و این وضعیت به مشکلات قبلی ما افزوده است. ذوالفقاری در ادامه گفت: در حال حاضر ۱۷هزارو ۷۰۵ افغان از دانشگاه‌های ایران فارغ‌التحصیل شده‌اند، ۱۱ هزار دانشجوی افغان و ۱۶۰ هزار دانش‌آموز افغان نیز در ایران درحال تحصیل هستند.

معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور اظهار کرد: ۲۲۰ هزار مهاجر افغان را تحت پوشش بیمه قرار داده‌ایم و امسال قصد داریم تمام پناه‌جویان را که بالغ بر ۹۴۰ هزار نفر می‌شوند بیمه کنیم. درحال‌حاضر ۳۶۰ هزار افغان در ایران دارای شغل هستند که این آمارها قابل‌توجه است. ذوالفقاری افزود: در محاکم ما تبعیضی بین ایرانی‌ها و مهاجران افغان وجود ندارد و به‌طور روشن می‌گویم از نظر خدمات‌دهی به پناه‌جویان و ایرانیان هیچ تبعیض روشن و سیستماتیکی وجود ندارد؛ البته ممکن است نارسایی‌هایی وجود داشته باشد که این نارسایی‌ها برای ایرانیان هم هست.

وی در ادامه گفت: افتخار می‌کنیم فرهنگ ما به‌گونه‌ای است که عدم تعرض، کمک به دیگران و دوستی و بشردوستی در آن وجود دارد و این موارد جزء اصول قانونی است.

معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور با اشاره به وضعیت عراق، سوریه، یمن و پاکستان گفت: نتایج اعمال و رفتارهای قدرت‌های جهانی در این کشورها منجر به آوارگی و مصیبت مردمان این کشورها شده است.

معتقدیم کمیساریای عالی سازمان‌ملل‌متحد در امور پناهندگان نسبت به سال گذشته باید اقدامات بیشتری انجام دهد و خدمات‌رسانی به پناه‌جویان بیشتر شود. به جهانیان اعلام می‌کنیم که اعمال و رفتار ضدانسانی برخی کشورها سبب ایجاد مشکلاتی برای کل جهان شده است. وی با بیان اینکه سال گذشته ۵۰۰ هزار مهاجر غیرقانونی را به کشورهایشان بازگرداندیم، گفت: همین تعداد از طرق دیگر به ایران بازگشته‌اند.

ذوالفقاری افزود: خوشبختانه یکی از اولویت‌های دولت جدید افغانستان رسیدگی به مسائل پناهندگان افغان در ایران و پاکستان است. دولت ایران به‌دنبال این است که پناه‌جویان افغان داوطلبانه به کشور خود بازگردانده شوند.

نگاهی به مسئله پیوند عضو برای افغان‌های ساکن ایران

بنی‌آدم گاهی اعضای یکدیگرند

شیوا جمالی

عکس: جام‌جم

فاطمه ۳۹ سال دارد و متولد افغانستان است. وقتی شش سالش بوده، به‌همراه خانواده‌اش به ایران مهاجرت کرده است. در ایران بزرگ شده و با مهاجر افغان دیگری ازدواج کرده است و درحال‌حاضر مادر چهار فرزند و سرپرست خانوار است و در مشهد زندگی می‌کند.

وقتی با او صحبت می‌کنم، لهجه مشهدی‌اش از یادم می‌برد که او تابعیت ایرانی ندارد.

«شوهرم کارگر بود. پنج سال پیش سکته مغزی کرد و قسمت‌هایی از بدنش فلج شد. چهار بچه‌مدرسه‌ای داشتم و این برای ما در حکم فاجعه بود. در خانه‌های مردم کار می‌کردم تا بچه‌هایم بتوانند درسشان را بخوانند و غذایی برای خوردن داشته باشند. علاوه‌براین هزینه‌های درمانی شوهرم هم بود اما بدبختی من و بچه‌هایم به اینجا ختم نشد. بعد از مدتی شوهرم دچار نارسایی کلیه شد و بالاخره کارش به دیالیز کشید. تقریبا یک‌سال است که سه روز در هفته دیالیز می‌شود (اگر پولش جور شود) هزینه هر جلسه دیالیز ۲۴۰ هزار تومان است و هرسری بعد از دیالیز باید یک آمپول ۲۳ هزار تومانی تزریق کند که خیلی وقت‌ها پولم به خرید آمپول هم نمی‌رسد. به‌جز اینها هزینه پوشک و آژانسش تا بیمارستان هم هست، شوهرم باید سه بار در هفته دیالیز شود که هزینه‌اش حدود ماهی سه میلیون تومان است که از توان من خارج است. برای تأمین این هزینه‌ها به هرجایی که فکرش را بکنید مراجعه کردم؛ از خیریه‌ها گرفته تا سازمان‌ملل. سازمان‌ملل با کلی دوندگی بعد از گرفتن رسید پرداخت هزینه بیمارستان، درصدی از پول را به ما برمی‌گرداند اما باید پولی باشد که به بیمارستان بدهی تا بعدا بتوانی درصدی از آن را پس بگیری. گاهی هم خیریه‌ها هزینه یکی، دو جلسه دیالیز را تقبل می‌کنند. خودم در خانه‌های مردم کار می‌کنم و حقوقم حتی کفاف هزینه مدرسه‌رفتن بچه‌ها را هم نمی‌دهد. بااین‌حال فرزندانم به مدرسه می‌روند و این تنها امید و دلخوشی من در زندگی است. علاوه‌بر شوهرم، مجبور به نگهداری از برادرم هم هستم. او سال گذشته هنگام کار از روی پل سقوط کرد و الان با اینکه قطع‌نخاع نیست، به‌خاطر نداشتن دوا و درمان درست، تمام استخوان‌هایش کج جوش خورده‌اند و قادر به حرکت نیست. اگر خانه من را ببینی خنده‌ات می‌گیرد؛ مثل بیمارستان است. باید هرروز دو نفر را پوشک کنم و یک خروار دارو بهشان بدهم. برادرم بعد از اینکه معلول شد، زن و بچه‌هایش رهایش کردند. چون کسی را جز من نداشت، با این‌همه بدبختی، مجبور شدم او را هم قبول کنم».

فاطمه روزهایی که به‌دنبال هزینه دیالیز شوهرش دربه‌در خیریه‌های مختلف است و نمی‌تواند سر کار برود، شب‌ها کودکانش چیزی برای خوردن ندارند و وقت‌هایی که هزینه دیالیز جور نمی‌شود، همسرش ورم می‌کند و دچار تنگی نفس می‌شود و بچه‌ها وحشت‌زده می‌شوند.

از فاطمه پرسیدم چرا به پیوند کلیه فکر نمی‌کنی؟ می‌گوید: «پولش را از کجا بیاورم؟ همین الان هم من گاهی پول تزریق بعد از دیالیز را ندارم و شوهرم خیلی‌وقت‌ها نمی‌تواند به‌موقع دیالیز شود».

فاطمه به بازگشت به افغانستان فکر نمی‌کند. «به کجا باید برگردم؟ ۳۳ سال است که ایران زندگی می‌کنم. در افغانستان کسی را نمی‌شناسم. امکانات درمانی هم در افغانستان وجود ندارد. همیشه آرزو می‌کنم ای‌کاش زندگی‌ام یک خواب بد باشد و از خواب بیدار شوم...».

قانون ممنوعیت پیوند اعضا برای اتباع خارجی برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ تصویب شد. در آن سال‌ها آمار بالای پیوند کلیه از دهنده ایرانی به اتباع خارجی (عموما اتباع ثروتمند حاشیه خلیج‌فارس) نگرانی‌هایی در مورد تبدیل ایران به مقصد خریداران اعضا و دلالان اعضای بدن به‌وجود آورده بود.

در طول سال‌های گذشته، قوانین مربوط‌به پیوند اعضا مرتبا در حال تغییر بوده است.

در تیرماه سال گذشته شورای‌عالی پیوند عضو اعلام کرد: با توجه به تعداد زیاد بیماران ایرانی در فهرست پیوند اعضا، انجام این عمل برای اتباع غیرایرانی به کلی ممنوع خواهد شد.

بعد از اعلام این ممنوعیت سفت و سخت، سوم اسفند پارسال، دکتر نجفی‌زاده، رئیس شورای‌عالی پیوند اعضا اعلام کرد: اتباع افغان مقیم ایران می‌توانند از هم‌وطنان مقیم خود در ایران (افراد زنده یا مرگ مغزی) عضو پیوندی دریافت کنند.

اما این خبر، برای امثال راضیه اوضاع را بهتر نکرده است. راضیه ۲۴ ساله است. سه‌ماهه بوده که خانواده او از افغانستان به ایران مهاجرت کردند. راضیه در دانشکده خبر، روابط‌عمومی خوانده است. او ازدواج کرده و یک پسر دوساله دارد. راضیه پنج سال است به نارسایی کلیه مبتلاست و دیالیز می‌شود.

او می‌گوید هزینه‌های دیالیز سرسام‌آور است و علاوه بر هزینه دیالیز، هزینه آزمایش‌ها و داروها هم هست که پرداختش از توان آنها خارج است. شوهر راضیه هم تحصیلات دانشگاهی دارد، اما برای تأمین هزینه‌های زندگی و درمان همسرش به گچ‌کاری رو آورده است و روزانه ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان درآمد دارد که در بهترین حالت، ماهیانه ۹۰۰ هزار تومان است و به زور هزینه اجاره خانه‌شان تأمین می‌شود، درحالی‌که هزینه‌های دیالیز صفاقی راضیه در حدود یک میلیون تومان است. راضیه برایم توضیح می‌دهد به‌خاطر مراقبت از فرزند کوچکش و کمتربودن هزینه، دیالیز صفاقی را انتخاب کرده است که خودش در خانه آن را انجام می‌دهد و احتمال عفونت هم وجود دارد و از طرفی هم سازمان‌ملل هیچ کمک‌هزینه‌ای برای دیالیز صفاقی پرداخت نمی‌کند.

از اوراجع به مصوبات جدید شورای‌عالی پیوند اعضا پرسیدم:

◣ فکر می‌کنی قوانین جدید تأثیری بر روند درمانت داشته باشد؟

«وقتی به‌طورکلی پیوند عضو برای اتباع خارجی در ایران ممنوع شد، به این فکر می‌کردم که از سه‌ماهگی به هر نقطه دیگری از دنیا رفته بودم، دست‌کم امروز از حداقل حقوق شهروندی برخوردار بودم. قانون جدید هم بعد از حدود شش‌ماه تصویب شد و اجازه پیوند کلیه از یک افغان به افغان دیگر را داد که زیاد به حال امثال من فرقی نمی‌کند. تمام هزینه‌های مربوط به خرید کلیه، هزینه بیمارستان، هزینه آزمایشات قبل از پیوند، داروهای مهار سیستم ایمنی بعد از پیوند همه‌وهمه باید به صورت آزاد به بیمارستان پرداخت شود که تأمین چنین هزینه‌ای برای ما غیرممکن است. از طرفی چون افغان‌های مقیم ایران معمولا کارهای بدنی سنگین انجام می‌دهند، پیدا کردن دهنده عضو، کار خیلی سختی است و تازه بعد از این‌همه بدبختی، امکان پس‌زدن عضو هم وجود دارد. در مورد گرفتن عضو از یک مرگ مغزی افغان هم امیدی ندارم. ما که نمی‌توانیم به امید پیداکردن بیماران مرگ مغزی‌شده افغان به بیمارستان‌ها سر بزنیم و برای خودمان دنبال عضو بگردیم. نمی‌دانم تا کی می‌توانم دیالیز را ادامه بدهم، ترجیح می‌دهم به این موضوع فکر نکنم».

قانون ممنوعیت پیوند اعضا برای اتباع خارجی برای اولین بار از سال ۱۳۷۲ تصویب شد. در آن سال‌ها آمار بالای پیوند کلیه از دهنده ایرانی به اتباع خارجی (عموما اتباع ثروتمند حاشیه خلیج‌فارس) نگرانی‌هایی در مورد تبدیل ایران به مقصد خریداران اعضا و دلالان اعضای بدن به‌وجود آورده بود

برای روشن‌شدن بیشتر موضوع با دکتر کتایون نجفی‌زاده، رئیس شورای‌عالی پیوند اعضا و بیماری‌های خاص گفت‌وگو کردم:

◣ وقتی در مصوبه شورای‌عالی پیوند اعضا صحبت از ممنوعیت اهدای عضو برای اتباع بیگانه می‌شود، تفاوتی بین مهاجرانی که تازه وارد ایران شده‌اند و کسانی که تمام عمرشان در ایران زندگی کرده‌اند، وجود ندارد و هیچ یک قادر به دریافت عضو از یک ایرانی نیستند. چرا؟

«کسانی که تازه وارد ایران شده باشند حتی قادر به دریافت عضو از یک افغان هم نیستند. افغان‌هایی قادر به دریافت عضو از یک افغان دیگر هستند که دارای کارت آمایش باشند یا پناهنده باشند یا گذرنامه‌شان مهر دایم داشته باشد. یک افغان، تنها در صورتی می‌تواند از یک ایرانی عضو بگیرد که تابعیت ایران را دریافت کرده باشد».

◣ گرفتن تابعیت ایران، برای افغان‌ها بسیار دشوار است. حتی کسانی که در ایران به دنیا آمده‌اند، امکان گرفتن تابعیت ایران را ندارند. از دکتر نجفی‌زاده پرسیدم آیا این عادلانه است که به صرف نداشتن تابعیت و خون ایرانی، افراد از حق درمان برخوردار نباشند؟

«ببینید، مسلما این شرایط درست نیست. افغان‌هایی که برای‌مثال به یک کشور اروپایی مهاجرت می‌کنند، بعد از گذشت چندسال تبعه آن کشور محسوب می‌شوند اما باید این موضوع را مدنظر داشته باشیم که ما کشور چندان ثروتمندی نیستیم. طبق آخرین آماری که در دست ماست حدود چهارمیلیون‌و ۸۰۰ هزار مهاجر افغان به صورت قانونی و غیرقانونی در ایران زندگی می‌کنند که دادن تابعیت و خدمات به همه آنها مستلزم صرف بودجه هنگفتی است. البته جدیدا وزارتخانه در حال تصمیم‌گیری برای کل سیستم درمانی افغان‌هاست که با همکاری سازمان ملل تسهیلاتی برای درمان در اختیارشان قرار بگیرد. در حال حاضر این دغدغه در وزارتخانه وجود دارد و ما از سازمان‌ملل هم دعوت کرده‌ایم تا با هم‌فکری راهکاری برای مسئله درمان افغان‌ها پیدا کنیم».

حرف‌وحدیث‌هایی وجود دارد که در مواردی اعضای افغان‌های مرگ مغزی به ایرانی‌ها پیوند زده شده. دکتر نجفی‌زاده اما این شایعات را رد می‌کند.

«نه، چنین چیزی درست نیست. به‌خاطر جلوگیری از همین حرف‌وحدیث‌ها بوده که پیوند عضو حتی از افغان‌های مرگ مغزی تبعه ایران، به فرد ایرانی ممنوع شده است. به دلیل شرایط زندگی و سختی کار افغان‌ها، مرگ مغزی در بینشان بسیار شایع است و از طرفی هم گیرنده عضو افغان نداریم و این اعضا معمولا هدر می‌رود ولی به هیچ عنوان به ایرانی‌ها پیوند زده نمی‌شود».

◣ در طول تهیه این گزارش من با ده‌ها افغان که خواهان پیوند عضو هستند صحبت کردم و حتی اطلاعات آنها را می‌توانم در اختیار شما قرار دهم؛ این افراد وجود دارند. آیا مرجعی وجود دارد که اطلاعات افغان‌های نیازمند به عضو را ثبت کند تا در مواقع لزوم بتوانند از سایر افغان‌های مرگ‌مغزی‌شده عضو بگیرند؟

«نه، چنین مرجعی در حال حاضر وجود ندارد».

راضیه، زهرا را معرفی می‌کند که خانواده‌اش سال‌ها قبل از تولد او به ایران مهاجرت کرده‌اند. او دو خواهر دیالیزی دارد و بیش از ۹سال است که خواهرانش را برای دیالیز به بیمارستان می‌برد. زهرا متولد ۱۳۶۶ در دامغان است و دو خواهر ۳۱ و ۲۹ ساله به نام‌های فاطمه و ریحانه دارد که از ۹ سال پیش دیالیز می‌شوند.

«تمام کارهای درمانی خواهرانم بر عهده من است. هزینه‌های دیالیز و درمان برای هرکدام سه‌میلیون‌و ۲۳۵ هزار تومان است؛ کمک سازمان‌ملل پول دو روز دیالیزشان در هفته است. در طول این سال‌ها تمام داروندارمان که با کارگری در باغ‌های کشاورزی به‌دست آورده بودیم، خرج دیالیز خواهرانم کردیم. ما خیلی تلاش کردیم برای خودمان تابعیت ایرانی بگیریم اما موفق نشدیم، حتی منی که در ایران به دنیا آمده‌ام هم نمی‌توانم تابعیت ایرانی بگیرم. در عمل به افغان‌ها خیلی تابعیت ایرانی نمی‌دهند. جوری که به من گفته‌اند، تنها شانس من برای گرفتن تابعیت ایرانی، ازدواج با یک مرد ایرانی است. نه‌تنها نمی‌توانیم تابعیت بگیریم بلکه کارت آمایشمان را هم هرسال با تأخیر تمدید می‌کنند. وقتی تاریخ کارت آمایشمان تمام شده باشد، از کمک‌های سازمان‌ملل هم نمی‌توانیم استفاده کنیم و فشار خیلی زیادی را متحمل می‌شویم».

ادامه در صفحه ۱۷

گزارش

سردرگمی برای مقابله با ریزگردها در کردستان

● **مهر:** سال ۸۴ بود که برای اولین‌بار نام ریزگردهای عربی به گوش مردم کردستان رسید و حال بعد از یک دهه از حضور این میهمان دائمی، مسئولان به فکر چاره و درمان مشکل افتاده‌اند. ریزگردهای عربی برای اولین‌بار در سال ۸۴ میهمان مردم کردستان شدند، ولی امروز و بعد از گذشت یک دهه به پای ثابت آب‌وهوای این استان و شمار زیاد دیگری از استان‌های جنوب و غرب کشور تبدیل شده و تاکنون درمانی برای این درد مزمن پیدا نشده است. هرچند در ابتدای ورود این پدیده به استان کردستان و سایر استان‌های غرب و جنوب کشور، موضوع موقتی‌بودن آنها مطرح بود، ولی با گذشت زمان، نه‌تنها این پدیده مخرب موقتی نماند که شمار روزهایی با هوای آلوده در کردستان چندبرابر شد و هرروز نیز بر دامنه این بحران افزوده شد.

شمارش روزهایی با هوای سالم در کردستان

در ابتدای کار، شمار روزهای آلوده در استان کردستان به زحمت دورقمی می‌شد، ولی بعد از گذشت شش سال، دیگر شمارش روزهای با هوای سالم و پاک در دستور کار مدیران و مسئولان قرار گرفت و دراین‌میان، هربار مسئولی حرفی و وعده‌ای می‌داد و تمامی این وعده‌ها بایگانی شد و مسئولان از سمت خود جابه‌جا شدند، ولی ریزگردهای عربی همچنان به‌پیش تاختند. در روزهای میانی فعالیت‌های دولت محمود احمدی‌نژاد، اعتبارات میلیاردی برای کنترل و کاهش ریزگردهای عربی منظور شد، ولی نه‌تنها هنور مشخص نیست که این اعتبارات در کدام حوزه و بخش هزینه شده است که دردی از ریزگردها نیز درمان نشد و امروز این پدیده به یک بحران جدی تبدیل شده. تاکنون روایت‌های مختلفی درخصوص منشاء اصلی ریزگردهای عربی و پدیده گردوغبار مطرح شده است و هربار مسئولان یک گزینه را مطرح می‌کنند، در حالی که عده‌ای منشأ اصلی آن را خارج از مرزهای کشور می‌دانند، ولی عده‌ای دیگر منشأبخشی از این پدیده را در داخل مرزهای کشور عنوان می‌کنند. تاکنون چندین سمینار، نشست، جلسه و همایش با موضوع ریزگردها در سطح ملی و منطقه‌ای برگزار شده و هربار مسائل و موضوعاتی جدید برای مقابله با آن در دستور کار قرار گرفته است، اما تا این لحظه نه‌تنها از میزان ورود این پدیده به داخل کشور جلوگیری نشده که همچنان بر حجم و گسترش آن افزوده می‌شود تا جایی که بعضی از کارشناسان اعتقاد دارند تشدید ورود ریزگردها بر کاهش میزان بارش‌ها در استان کردستان تأثیر مستقیم دارد.

شمارش ۱۳۰ روز هوای خطرناک در سال

مدیرکل هواشناسی استان کردستان با اشاره به تشدید ورود ریزگردهای عربی که وی آن را با عنوان بحران گردوخاک مساوی می‌دانست، با اشاره به اینکه مباحث مربوط به غبار در دهه اخیر به شکلی بحرانی جدید است، ادامه داد: براساس آمار ایستگاه هواشناسی فرودگاه سنندج، از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ میانگین روزهای همراه با غبار در سنندج ۱۶ روز بوده است. محمد طالب حیدری با بیان اینکه از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ تعداد روزهای همراه با غبار در سنندج به ۱۳۰ روز رسیده است، افزود: هیچ پدیده طبیعی روند ۱۶ روز به ۱۳۰ روز را طی نمی‌کند و این وضعیت نشان‌دهنده عمق یک فاجعه است که به نظر می‌رسد باید به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۲۲۴۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- خداحافظی‌کردن- نشدنی- تعجب زنانه ۲- روشنایی- ماسک- شهری در استان اصفهان ۳- شاهد- یاری‌کننده- از اعمال حج ۴- خرس فلکی- کارآگاه به‌دنبال آن است- حالی‌کردن ۵- نامه کوتاه- روز آغاز هفته- قلعه بالای کوه ۶- رهایی- از روش‌های رایج برای بستن زخم- بخش خارجی چیزی ۷- آسمانه- ظرف سفالی دهان گشاد- شبیه و نظیر ۸- کتف- بددهن- هرچیز بسیار تلخ- غوزه پنبه ۹- کامیاب و سعادتمند- پایتخت چک- نژاد، تبار ۱۰- گرز آهنین- جمع مکسر ماده- بادبزن برقی ۱۱- پایه و بنیاد- تکراری- نمونه و سرمشق ۱۲- سرمه- مسیحی- بنابراین ۱۳- از رنگ‌های اصلی- هیأت معتمدان- تجربه‌ای برای پیروزی است ۱۴- به طور مداوم- برادر بزرگ‌تر یوسف (ع)- درخت انجیر معابد ۱۵- ماه سرد- حاصل و نتیجه کار- مسافر، رهسپار.

عمودی:

۱- مخالف هم بودن- از خط‌های زیبای اسلامی- مؤثر و مفید ۲- بله فرانسوی- از جاذبه‌های گردشگری استان گلستان- بسیار زیاد ۳- سگ انگلیسی- کوه سیمرغ- شایع‌ترین بیماری کبدی در جهان ۴- گستردگی- ماورا- حرف همراهی عرب ۵- شیره- تغییر و دگرگونی- نرده ۶- خواری و خفت- تنگه- از حروف الفبا ۷- مذکر- گیاه تریاک- شاخه‌ای از فیزیک ۸- میزبان المپیک۲۰۰۴- بسیار درخشان- پسر- شهری در آذربایجان‌شرقی ۹- به یکدیگر نامه نوشتن- فتنه‌انگیزی- بتی در عصر جاهلی ۱۰- سکو- مقصود و منظور- نمو ۱۱- علامت زیر حرف- آواز بلند- جایزه معتبر سینمایی ۱۲- خسیس پس نمی‌دهد!- صادق و بی‌ریا- نوعی پارچه ضخیم و خشن ۱۳- حروف ادغام در زبان عربی- عیب‌وعار- خروس مازندرانی ۱۴- آماس- وسیله‌ای پزشکی برای مشاهده حفره‌های درون بدن- درخت زبان گنجشک ۱۵- مخلوط شده- مثل و مانند - ریشخند.

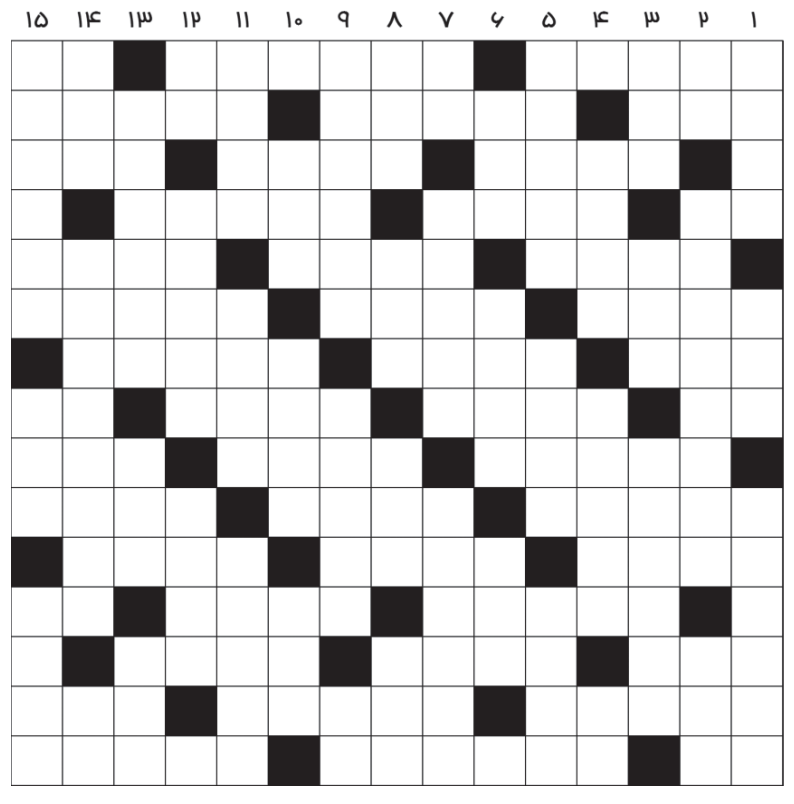

سودوکو سخت ۱۲۴۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴		۲		۸			۱
	۵			۷		۲		۸
۲			۹	۱			۵	
۴	۷				۹			
					۵		۹	
						۱		۶
		۸					۱	۷
۷		۳				۸		
		۴		۳		۶	۲	

حل سودوکو سخت

۳	۱	۷	۵	۸	۹	۲	۶	۴
۹	۶	۲	۴	۷	۱	۳	۸	۵
۴	۵	۸	۶	۳	۲	۹	۱	۷
۵	۹	۳	۷	۴	۶	۸	۲	۱
۲	۸	۴	۱	۹	۳	۷	۵	۶
۶	۷	۱	۲	۵	۸	۴	۳	۹
۷	۴	۶	۳	۲	۵	۱	۹	۸
۸	۳	۵	۹	۱	۷	۶	۴	۲
۱	۲	۹	۸	۶	۴	۵	۷	۳

حل سودوکو ۱۲۳۹

۱	۲	۹	۵	۳	۴	۸	۶	۷
۸	۶	۵	۷	۹	۲	۴	۱	۳
۳	۴	۷	۸	۶	۱	۹	۵	۲
۶	۹	۱	۲	۴	۷	۵	۳	۸
۲	۷	۸	۹	۵	۳	۱	۴	۶
۴	۵	۳	۱	۸	۶	۷	۲	۹
۷	۳	۶	۴	۱	۸	۲	۹	۵
۹	۱	۲	۶	۷	۵	۳	۸	۴
۵	۸	۴	۳	۲	۹	۶	۷	۱

سودوکو ۱۲۴۰

۵		۲	۹			۸	۳	
	۶	۹			۴		۵	
۸	۴		۲		۳		۷	
۱		۴		۶				۷
۶			۷			۲	۴	۱
۲	۵	۷			۸		۶	
۹				۸		۳	۲	
۷					۹	۴		۸
		۸	۵		۱		۹	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.
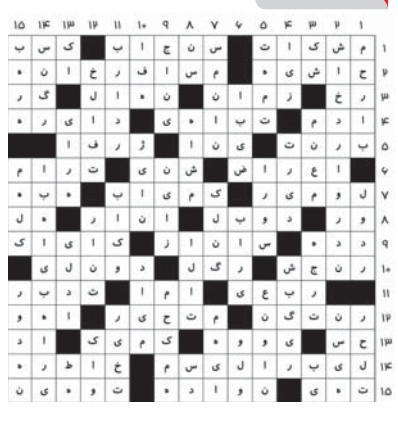
جدول ۲۲۴۲